بررسی موردی افزوده‌های تفسیری در شش ترجمه معاصر قرآن
مهدی ایزدی
باب الله محمدی نیبی کنده

چکیده
سپر بینایی قرآن به گونه‌ای است که ارائه معنا و مفاهیم زرف آن جز یا افزودن عبارت‌های تفسیری مقدور نیست و جاری‌ها از اعمال تغییرات دیگر وجود ندارد. از این رو با همه تلاشی که نویسندگان و مترجمان نموداند، باز هم با‌سخوگی خوانندگان نیست. در حالی این امر وجود آیات مجمول است که دلایل‌شن روش نیست. مقاله حاضر افزوده‌های تفسیری برخی از آیات سوره اسراء را از شش ترجمه معاصر/به فن‌شناسی، خرمشاهی، صفارزاده، فولادوند، مشکینی و مکارم با توجه به تفاسیر و روابط موجود تحلیل و بررسی می‌نماید. در این زمینه یک آیات و ترجمه‌ان استخراج گردیده و سپس نظریه‌های تفسیری برای تبیین کار ارائه طرد شده است. در پایان نیز تحلیل و بررسی بر اساس تفاسیر در هر آیه انجام گرفته است. بررسی افزوده‌های تفسیری برای نخستین بار است که در زمینه علوم قرآنی انجام می‌شود.

کلیدواژگان: قرآن کریم، سوره اسراء، افزوده‌های تفسیری، ترجمه‌های معاصر.

Dr.Mahdi.izadi@gmail com

* دانشیار دانشگاه امام صادق(ع).

** دانشجو دانشگاه معارف قرآن کریم تهران.

نویسنده مشاور: مهدی ایزدی
مقدمه
از آنجا که قرآن، به عنوان مهم‌ترین منبع برای بررسی‌ها و پژوهش‌های اسلامی محسوب می‌شود، لذا مفسران بسیاری تفسیر متعددی را جهت تبیین ابعادی از کلام الهی به شیوه‌ای تو و منتفاوت از دیگران ارائه نموده‌اند و این نکته قابل تأمل است که هیچ کس نمی‌تواند بیش از درجه قبول و اندازه درک خود به قرآن دست یابد (فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۶، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۱). علاوه بر این یکی دیگر از روش‌هایی که می‌تواند به فهم قرآن کمک کند ترجمه قرآن است; به طوری که قرآن را می‌توان یکی از پر ترجمه‌ترین کتاب‌ها دانست. ترجمه این کتاب با اهداف گوناگونی توسط مسلمانان و حتی پیروان دیگر اديان ترجمه شده و این روابط اهمیت را به افزایش است. موضوع ترجمه قرآن از زمانی که اسلام مورد پذیرش مسلمانان غیر عرب واقع گردید مطرح شده و این بحث بین عالمان و دانشمندان اسلامی، مخالطان و موافقان پیدا گردید. بعضی حکم به تحریم ترجمه قرآن دانست و در مقابل، گروهی دیگر از عالمان ترجمه قرآن را جایز دانستند. دلایل مخالفان ترجمه قرآن را می‌توان اینگونه بر شمرد:

۱- قرآن اثری شامل نظم و معنایی که قبلاً ترجمه شود، نظم و بخشی از مفاهیم آن از بین خاهم رفته.
۲- زبان قرآن، رمز و حیات مسلمانان است، و ترجمه آن برای یکگانی مسلمانان زبان بخش است.
۳- قرآن در اینجا جهانی مانند اعجاز، استنباط، ضریب‌المشترها و غیره است که ترجمه‌پذیر نیستند.
۴- ترجمه قرآن در واقع، فهم مترجم از قرآن است نه تمام معنی قرآن. بنابراین قرآن نیست.

در مقابل، دلایل موافقان ترجمه قرآن چنین است:

۱- ترجمه سوره حمد توسط سلمان برای ایرانیان و ترجمه سوره مريم برای پادشاه حبشه و ترجمه نامه‌های محمد (ص) که حاوی آیات قرآن در زمان پیامبر اسلام انجام پذیرفت و عدم مخالفت ایشان با هیچ‌کس از آن‌ها.
بررسی موردنی افزوده‌های تفسیری در شرک ترجمه معاصر قرآن/59

۲- فتوی/بی‌حیفی و بسیاری از دانشمندان اهل سنت، همچنین نظر آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله خوئی و دیگران بر مجازبودن ترجمه قرآن (ربعی نتایج، 1384: شماره ۳ و ۴).

۳- دعوت اسلام، مخصوص عرب ها نیوده، بله اسلام دین جهانی است و باید آن را با ترجمه برایجهانیان بهلیگ کرد. نشر قرآن عربی برای ملتی که زبان عربی نمی‌داند، قابلی- جنگی ندارد.

۴- در برای ترجمه‌های فلسطین و مغانی و دیگران شده، باید ترجمه‌ها صحت و مورد استفاده ارزان شود و در دو نگاه سبک بانی قرآن به گونه‌ای است که ارائه معنای و مفاهیم وفزآن جز با افزوده عبارات‌های تفسیری مقدور نیست و چاره‌ای از اعمال تغییرات دیگر وجود ندارد.

ما در این مقاله در صدد بررسی افزوده‌هایی که مترجمان(به‌قلمهای، خرمشاهی، صفیزاده، فولادوند، مکارم و مشکینی) در ترجمه‌های شان از قرآن ذکر نمودند، از لحاظ ضرورت بیان آنها و موارد و یا عدم موارد و یا تأکید شان بر ارائه فقه‌ها و حتی المقدور از رواج می‌نامیم. خلاصه این است که ترجمه‌هایی که عراقب افزوده مؤثر داشته آورده شده و از ذکر مبیین ترجمه‌های خودداری شده است. و افزوده‌های مشترک حتی امکان سعی در این است که با همیشگر نقد و بررسی شوند.

سوره اسراء، با بنی اسرائیل نام سوره هفدهم قرآن است. این سوره بنابراین مشهور است. در مکه نازل شده است و توسط یوسف بنی مکی در آن جمع است. پس از آشکار مختصر با سوره اسراء، به بررسی برخی از افزوده‌های تفسیری این سوره از نظر مترجم معاصر می‌پردازیم.

آیه اول

۲- و گفتیم نى کتاب و چنانه‌ندى اینى فرزندان الله نى تعلیمده و آمن (ونی کتابا) (اسراء2) ترجمه به‌بهندی فسمهای: و به موسی کتاب بخشیدیم و آن را راهنموده برای بنی اسرائیل کردیم (و گفتیم) که به جای من کسی را کارساز مگیرد.
ترجمه مشکیتی: "ما به موسی کتاب دادیم و او را و کتاب او را راهنمای بینی اسرائیل کردیم که (آنها بگوید) غیر از من کسی را وکیل و کارساز نگیرید." 

نظریه تفسیری

علائم طبیب‌نما در سفره: جمله - و جعل‌نامه‌های تعلیمی - به منزله تفسیر

برای فرزندان کتاب است و هدایت بودن آن همین است که شرايع پروپگارشان را برای شان بیان می‌کند. شراعی که اگر به آنها معتقد شون و عمل کنند به سوی حق راه می‌یابند و به سعادت دو سر نائل می‌گردد (طبیب‌نما، 1417: 13/6).

تحليل و بررسی

افزودهای که در این دو ترجمه قابل بحث است، فعل‌های مادر که تمایل مشکیتی می‌کند، و در ترجمه اقوای قمشه/ری فعل مادر (کفشم) بیان شده است. در حالی که مفسران از جمله: طبری (طرحی، 1216: 3/412)، مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، 1411: 12/23) زمخشیری (زمخشیری، 1407: 2/468 و فخر الدین رازی) فعل مادک را (کفشم) در نظر گرفته‌اند. بنابراین افزوده تفسیری اقوای مشکیتی در این مورد مرجوع است.

آیه دوم

"و قصیت‌الینی بی‌یهی اسراییل در اسناد مقتبسان در اینجا آمده است.

(اتساوی/4)"

ترجمه: اینه قلمش/ری: "و در کتاب (نوتاکی، یا در لوح محفوظ و کتاب تكوین الهی) خبر دادیم .. دو بار حتما در زمین فساد و خونزی می کنید و تسلط و سربکی سخت طالبیت معیابید، بار به بار اشناع و مخالفت ارمی، و بار دیگر ب به قتل زگری و یحیی.

نظریه تفسیری

ما در تورات به بینی اسرائیل اعلام کردیم که به طور قطعی، نسل های شما در بیلاد خود- يعني بیت المقدس- دو بار فساد خواهد کرد. مقصود از فساد، ستم و غرفت مال مردم و کشتن انسان و خونزی است. محمد بن اسحاق گوید: فساد اول ایشان قتل/اشعیا.
بررسی موردی افزودههای تفسیری در شش ترجمه معاصر قرآن/۶۱

و فساد دوم ایشان، کشتن یحیی بود، ولی زکریا به مرکز طبیعی از دنبال رفت (طرسوی، ۱۳۷۲: ۶/۶۴۶).

ترجمه صفویزاده و مسکینی: «و ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات شان) حکم قطعی و اعلان حتمی کردیم که شما بی تردد دو بار در زمین (فلسطين) فساد خواهید کرد و طغیان بزرگی را مرتکب خواهید شد».

نظریه تفسیری
مکارم می‌گوید: «منظور از کلمه‌ای آزار- به قربانه آیات بعد سرزمین مقدس فلسطین است که- مسجد الاقصی- در آن واقع شده است» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۲: ۱۲/۲۵).

تحليل و بررسی
در این ایسه افزوده‌های مورد نظر در ترجمه‌ها با اقوال مفسران مطابقت دارد. و افزوده‌ای که قابل بحث است افزوده تفسیری جمله- لتفیض‌نی در الازد، معرفی در «کشاف» این دو فساد را قتل یحیی (ع) و زندانی کردند/ تراز (بیشتری) ۱۴۰۷: ۲/۶۴۹ و/آلوسی در «روح المعنی» این فساد را قتل یحیی/ اشباع، زکریا/ علیهشان السلام) و حبس/ اربیا می‌دانند/ که آلوسی محمود، ۱۴۱۵: ۱۳۸۵/ ۸/۲۸۵. همچنین در تفسیر عاملی آمده است که مقصود از دو نویت فساد یکی کشتن زکریا بود که شاهر یادوازه ایران بر آن‌ها مسلط شد، و دوم کشتن یحیی بود که بیعت/ النصر بر آن‌ها مسلط شد (عاملی، ۱۳۶۰: ۱۵/۱۴۰۳/ ۷۴۶). با این وجود نمی‌توان به قولی ارجح در این زمینه دست ییدا کرد.

آیه سوم

وَیَتَعَالَ اَلْئَانَانَ بِالْحَبْبِ وَكَانَ اَلْئَانَانَ عَجَوُولاً (اسرا/۱۱)

ترجمه الهی قمشهی: «الناس با شوق و رغبت مگه خبر و منفعت خود را می‌جوید (چه سا به نادانی) با همان شوق و رغبت شور و زبان خود را می‌طلبد، و انسان بسیار بی‌سر و شتاب کار است.»
نظریه تفسیری

انسان همانگونه که نیکی‌ها را طلب می‌کند به خاطر دستیابی و عدم مطالعه کافی به طلب بدن‌ها برمی‌خزد، چراکه انسان دانای عقل است(مکارم شیرازی، 1412: 40/4).

ترجمه سفارش‌زده: «زیرا انسان موجودی کم صبر و شتاب‌ده است این به مصلحت خوش آنگونه که عقل می‌کند، نمی‌اندیدشند در حالی که بهتر است در امور به خداوند دانا توگل کند.»

نظریه تفسیری

تنها راه رسیدن به خیر و سعادت آن است که انسان در هر گاه قصد می‌گیرد با نهایت دقت و هوشیاری و دور از هرگونه عقله و شتاب‌دهی تمام جواناب را بررسی کند و از خدا در این راه یاری بطلبد تا راه خیر و سعادت را بیابد و در پرتاب و براهمه گام تنهید(مکارم شیرازی، 1412: 42/12).

ترجمه مشکی‌بی: انسان(از روی جهل به واقع، و یا در حال غصب) شیر و ضرر راز(خدا) می‌طلبد همانگونه که خیر را می‌طلبد، و انسان(دانا) شتاب‌ده است(هرچه را هوای نفس اش افتضا کرد بدون تأمل در عاقبت آن می‌طلبد).

نظریه‌های تفسیری

در ترجمه فوق صحت افزوده اول(از روی جهل به واقع) روشن شد. در این ترجمه دو وجه برای طلب خیر و شر فرض شده است: 1- از روی جهل و نادانی که صورت بررسی قرار گرفت. 2- اینکه انسان از روی غصب امری را می‌طلبد که طبرسی اینچنین این مطلب را شرح می‌دهد: گاهی که انسان دچار خشم شده است، درباره خود و بستگان و مال خود دعا‌ای می‌کند که نایب مستجاب شود(ر.ک: طبرسی، 1372: 6/19).

افزوده چهارم: در جمله- وکان آلانسان جعل- افزوده تفسیری(هرچه را هوای نفس اش افتضا کرد بدون تأمل در عاقبت آن می‌طلبد) بیان شده است که این طور قابل توجیه است: وکان آلانسان جعل- مبینی بر توبیخ است: عقله به معنا شتاب‌دهی است. بشر در اثر کوتاه نظری به آنجه به آن تایبند کند و هویه و هیپآ را بخواهد رو می آورد بدون اینکه در آن باره بیندیشد(حسینی همدانی، 1404: 10/31).
تحلیل و بررسی
مترجمان قمشه/ی و مشکی، علت درخواست کارهای خیر را که به شر شرمندی
می‌شود دانسته‌اند. این مطلب با توجه به «تفسیر نمونه» که بیان شد
صحیح است. ولی علامه علت این امر را عجول بودن انسان و شیبان‌زدگی اور
می‌داند (طیباپوری، 1417: ۶/۹/۱۳۰۴). که مکارم و صفی‌زاده این قول را بیان نموده‌اند.
قرن‌سی در این موضوع می‌نویسد: منظور از فعل – بدع- طلب و خواستن است یعنی شر را
مانتن خیر مطلب علت این کار عجول بودن انسان است (قرنی، ۱۳۷۷: ۶/۴۳۶). به نظر
می‌رسد که با توجه به اقوال مفسران و سیاق آن، دو مترجم اخیر نظر برترا را ارائه
داده‌اند.

آیه چهارم

ترجمه بهبه قمشه/ی: «(ای رسول مأ) تو حلق حقوق خوش‌آور و ارواح خود را
ادا کن و نیز فقیران و رهگذران بچه‌را را به حق خودشان برسان و هرگز (در کارها)
اسراف روا مدار.»

ترجمه صفی‌زاده: «(ای انسان) حق خوش‌آوران و نیازمندان و در راه سفران‌گان را
ببردای اما به هیچ وجه اسراف نکن.»

نظریه‌های تفسیری

طبرسی در تفسیر خود آورده است: خداوند، بیامبر خود را تشویق می‌کند که حق
اسخاص را بدهد و به آنها اتفاق کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۳۲۳). در بخشی از تفسیر
خطاب خداوند در این آیه را به انسان دانسته‌اند: از جمله «تفسیر نمونه»(رک: مکارم

ترجمه مشکی: «حق خوش‌آورند (حق خوش‌آوران خود و حق خوش‌آوران بیامبر) و
حق فقیر و وامانده در راه را ببردای، و هیچ نوع اسراف و ریخت و یکش (که صرف مال در
راه حرام و تجاوز از حد در حال است) مکن.»
نظریه‌های تفسیری


تحليل و بررسی

مترجمان خطاب آیه را پیامبر (ص) و انسان می‌دانند که با توجه به تفسیر بیان شده در نظریه تفسیری هر دو مورد صحیح است. نتیجه‌ی تفسیری خطاب آیه را این چنین بیان می‌کند: اگرچه در ظاهر خطاب آیه متوجه به بی‌پیامبری صلی الله علیه وآله و سلم است ولی مقصود به خطاب علوم مکلفین و متعلق مکلفی کلیه حقوق اقارب است (تفصیل تهرانی، 1398: 3/255).

آیه پنجم

قرار کنن معا لازم که گفتگوی این از همه که می‌گویند وگر یکان نانها می‌گویند دیگری بود در این صورت آن خداونان بر خداان خر عرش راه می‌گیرند و می‌گویند ان از دلایل اختلاف نظام عالی می‌شود. پس چنان عالم را نظام ثابتی است دلیل است که با خدا نیشن خداونان دیگری نیست.

نظریه‌ی تفسیری

این از نظر نزدیک به کربلا تعبیر به ذی الکاظم نموده است و در این صورت به طور به‌بهره سبب اختلاف در تفسیری عالم کشته؛ بنابراین اختلال و فساد، نظام جهان را فرا خواهد گرفت (حسینی همدانی، 1404: 10/27).
بررسی موردی افزوده‌های تفسیری در ترجمه معاصر قرآن/۶۵

ترجمه خرمشاهی: «یگو اگر چنان که می‌گویند در جنب از خداانی هم بودند، در آن صورت به سوی خداوند صاحب عرش [برای معارضه یا تقرب] راه می‌برند.

ترجمه مشکینی: بگو: اگر چنان‌که آن‌ها می‌گویند با خداوند معبود‌ها و وجود داشت در آن حال هنما به سوی خداانی صاحب عرش راهی می‌جستند(تا یا برتی) چوند و او را ساقط کنند، یا در ملك او شریک شوند و با حداقل در نرد از مقرب گردند.

نظریه تفسیری

میبدی در «کشف الأسرار و عدة الآبار» دو معا نا بیان کرده است یک: آن خداانی

اگر بودند با خداوند به مبارز بر می‌خاستند. دو: آن خداانی اگر بودند به خداوند عرش تقرب می‌کردن و نزدیکی می‌جستند(میبدی، ۱۳۱، ۱۳۷۱: ۵/۵۵۸).

تحلیل و بررسی

افزوده‌ای که به فسح/ی در ترجمه خوشآورد به تفسیر «انوار در خرمان» در ذیل

آیه مورد نظر به کونهای منطقی است، ولی مفسران بر گه به چنین نتیجه‌ای نرسیدن.

مکارم در تفسیر آن آیه و آیه ۲۲ سورة انبياء چنین بیان می‌کنند: لو کان فیهماً آله‌

یا الله لفسنتان- اگر در زمین و آسمان خداانی دیگری جز الله وجود داشتند نظام جهان به هم می‌ریخت؛ اشتیاه نشود، این آیه و آیه مورد به‌خاطر گره‌هایی از پارهای جهات شبه‌ای اند ولی اشاره به دو دلیل مختلف می‌کند که یکی پازگشته به فساد نظم جهان بر اثر تعداد خداانی است، و دیگری قطع نظر از نظم جهان از وجوه تمامع و تناژ در مبان

خداانی متعدد سخن می‌گوید، (رک: مکارم شیرازی، ۱۴۱۲: ۱۲/۱۳۱).

و همچنین علامه نیز در تفسیر خوشآورد بیان این مترجم را مانند مکارم رد

می‌نماید (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳/۱۰). همچنین افزوده‌ای که این دو مترجم اخیر آورده‌اند با تفسیر «کشف الأسرار» در ذیل آیه منطقی است، ولی بر سخن علامه در قسمتی معارض است. علامه در رد تقرب خداانی به خدا در تفسیر این آیه می‌نویسد:

برخی از مفسران گفتند مراد از جست وجود راهی به سوی خداانی ذی العرش این است که راهی به یا پیدا کنند تا مقرب درگاه او شوند، که این جمله صحیح نیست، و جنایه

بخواهیم آن را توجیه نموده و گویند اگر با خداانی دیگر می‌بوداند آن را مشرف کن

پنداشته‌اند، حتماً آن خداانی در مقام تقرب به سوی ذی العرش ظالمی پر می‌آمدند، چون
آیه ششم

«اَحْقَاقُ إِنَّكُمْ لَيْسُوا فِي صَدْرٍ وَرَكْبٍ فَسْبِقُوْلُونَ مِنْ يُعِيدُنَا قَالَ الَّذِي فَطَرَ كَأَنْ غَيْرَ مَّسَّهُ» (سَرَابٞ/۵۱).

ترجمه الہی قمشهی: «اَحْقَاقُ إِنَّكُمْ لَيْسُوا فِي صَدْرٍ وَرَكْبٍ فَسْبِقُوْلُونَ مِنْ يُعِيدُنَا قَالَ الَّذِي فَطَرَ كَأَنْ غَيْرَ مَّسَّهُ» (سَرَابٞ/۵۱).

می نماید/باز به امر خدا زنده می شوید) پس خواهد گفت: که می دوباره زنده می کند؟

بنوگ: شاید که از حوادث نزدیک باشد(زیرا مرگ به هر کس نزدیک است و قیامت اش به مرگ بریا می شود).

نظریهای تفسیری

افزوده اول و دوم: حتی اگر مخلوقی از سنگ و آهن سخت و از حیات و از زندگی دورتر، و از این جهت در نظر شما بسیار بزرگ باشد باز خداوند می تواند جامعه حیات در تن آن کند(رک: طبیطابی،۱۴۱۶/۱۳۹۷/۱۵۳).

افزوده سوم

اگر قیامت در مقياس های کوچک و محض دارد به نظر برسد آستانه قیامت که مرگ است به همه ما نزدیک است قرار گرفته مرگ قیامت صغری است(رک: طبیطابی،۱۴۱۶/۱۳۹۷/۱۵۳).

ترجمه خرمشاهی و مشکینی: در افزوده جمله-فسبیقلوْن» می یعیدنَا-جنین نوشتند: پس خواهد گفت چه کسی ما را پس از مرگ باز می گرداند؟

نظریه تفسیری

طبرسی می گوید: هر گاه، این مطلب را به آنها نگویی، خواهد گفت: چه کسی ما را پس از مرگ زنده می کند؟(طبرسی،۱۳۷۲/۲۳۶:۵۳۸).

ترجمه خرمشاهی: آنگاه در پرای تو سرهای شان را یه علامت ایکارا تکان می دهند و می گویند ...

می گویند...
بررسی موردی افزوده‌های تفسیری در شش ترجمه معاصر قرآن/۶۷

ترجمه مکارم: ... آن‌ان سر خود را (از روی تعبیه و انکار) به سوی تو خم می‌کنند و
می‌گویند ...

ترجمه صفیزاده: ... آن‌ها سر خود را (به علامت ترديد) تنان مدهند و می‌گویند...

افزای این بخش از کتاب کتاب و روزان شده- انگیز راسه: سر خود را با تعبیه و ریشه‌شن تکان داد(رازی اصفهانی، ۱۴۲۱: ۸۱۶/۱).

تخنیل و بررسی


آیه هفتم

وَإِذُ قُذَّلَتَ لَهُوهُمَا أُحُطَ بِالنَّاسِ وَماَبِيعُتَا لِأَذَلِّكَ أَنْزَلْتُهُمَا لِلْيَمِينِ وَالشَّجَرَةَ

(برکت ۳: ۱۰۹) ترجمه ههی قمشه/ی: ... ما رؤیایی را که به تو ارائه داده و درختی را که به یعن در قرآن به‌دشده(درخت نزد بی‌امیه و همه ظالمان عالم) قرار ندادید جز برای آزمایش و امتحان مردم. و مان‌ها را می‌رسانید و لیکن آیات بر آن‌ها جز طغیان بنزگ چیزی

نیازی.

از امام جعفر صادق(ع) نقل است که شجره ملمنه، همان‌بني امیه هستند(بحرانی، ۱۴۲۴: ۳/۵۵۴). «تفسیر نمونه» منظور از شجره ملمنه را علیا بر بی‌امیه که در بحث حديث گذشت، ظالمان نیز می‌داند(مکارم شیرازی، ۱۴۲۲/۱۲: ۱۷۴).
ترجمه مشکاتی: «و زمانی که به تو گفتیم: همانا پروردگارت بر مردم احاطه(علمی و تواثی) دارد، (پس گمگین مشو و در کار خود ثابت باش) و ما آن خوایی را که به تو نماوانتیم(که بوزینگانی از منبرت بالا می رود) و آن درخت لعنت شده در قرآن را(که شجره خبیته بینی امیه است) جز آزمایشی برای مردم قرار ندادیم(...».

نظریه تفسیری

افروده اول و دوم: خداوند پیامبرش را در برابر سرسختی و لجاجت دشنمند دلداری می دهد و می گوید: به خاطر بیاور هنگامی را که ما به تو گفتیم پروردگارت از وضع مردم به خوبی آگاه است و احاطه علمی به آنها دارد(مکارم شیرازی، 1412: 11/ 124). افروده سوم: جمعی از مفسران شیعه و اهل تسنن نقل کردهاند که این حواب اشاره به جریان معروفی دارد که پیامبر(ص) در خواب دید میمون هاپی از منبر او بالا می رود و پیامی می آورد بسیار از این مسأله گمگین شد، انشان که بعد از این کمتر می ختندید(مکارم شیرازی، 1412: 11/ 174).

تحلیل و بررسی


آیه هشتم

و انشدْرِ مِنَ اِسْتَطْعَفَتِ مِنْهُمْ يُصُوْنُوْنِ وَ أَجْلَبٌ عَلَيْهِمْ يَخِيَتَ وَ جَيَّدَتْ وَ شَارَكَهُمْ فِي الأَوَّلِ وَ الْأُوْلَادِ وَ عِندَهُمْ مَا يَدْخُلُونَ إِلَى الْغَرْفُوْنَ (46) اسرا

ترجمه خرمشاهی: «و با آنان در اموال و اولاد شریک شو و به آنان وعده و های رنگین [به...]

ترجمه صفیزاده: «و در صورت و فرزندان شان با آنها شریک باش آنها از مصالح نیرهیزن و فرزندانی غیر صالح تربیت کنند و آنها را با وعده‌های دروغ‌گوی سرگرم کن.»
نظریه تفسیری

شرکت کردن شیطان با آدم در مال و فرزند سپه بردن از منفعت و اختصاص است;

یعنی یا از راه حرام تحصیل مال نماید یا از راه حرام فرزندی برای آدمی به دنیا آید، و

لیکن به ترتیب دینی و صالح ترتیب اش نکند(طباطبایی.1417: 147-148). و عده

ابلیس جز فریب و غور و دروغ، چیز دیگری نخواهد بود، در صورتی که وعده‌های

پروردگار حضرت هستند(نکی خمینی، 1390: 104/1).}

ترجمه مشکبی: و هر کس از آنها را بتوانی به آوای خود (به سوی گناه) براتاکریز، و بر

آنها (برای راندن به سوی معاصی) با سوارها و پیاده‌هایی (لشکر) خود بانگ بنز، و با

آنها در اموال و فرزندان شرکت نماید، و آنها رادر ترک هر واجب و انجام هر حرام) و عده

ده و هرگز شیطان به آنها غیر از فریب و نیرفنگ و وعده‌ای نمی‌دهد.

نظریه‌های تفسیری

افزوده اول: با اوازه از ذره آدم هر که را که می‌توانی گمره و به معصیت وادار

یکن(نکی خمینی، 1390: 104/1).

افزوده دوم و سوم: معناشی این است که برای به راه ارتدخانع آن آنان به سوی معصیت

به لشگران ات ام از سواره نظام و پیاده نظام دستور بده تا پیروسته بر سر آنان

بزنند(همان).

افزوده چهارم: مقصود از عده در اینجا به معنا ترغیب شیطان به سوی اعتقاد باطل

و دورشدن از اعتقاد حق است(فخرالدین رازی، 1420: 120/638).

تحلیل و بررسی

می‌توان گفت از بین متبرکان صفارزاده بهترین عملکرد را در این آیه داشته‌اند.

هرچند ایشان باید و عده‌هایی دروغین را در داخل پرانتز می‌آورد زیرا از آن به عنوان

افزوده تفسیری استفاده کرده است. قابل ذکر است در ترجمه مشکی‌ی افزوده چهارم را

(در ترک هر واجب و انجام هر حرام) که در افزوده کلمه و عده است. اکثر مفسران من

جمله کاشانی(رق: کاشانی، 1336: 15/130، طباطبایی، 1336: 289 ت. 8/3)،

و سیزواری نجفی(رق: سیزواری نجفی، 1346: 24/2) به معنا و عده باطل گرفته‌اند

که بهتر است در ترجمه‌ها و هم‌چنین ترجمه ایشان به همین معنا به کار رود. هم‌چنین
نتیجه بحث

اگر پس از تحلیل و بررسی از مقاله حاضر به دست می‌آید در مطالعه دیل خلاصه می‌شود:

1- افزوده‌های تفسیری نقش مؤثری در درک و فهم قرآن دارد. از میان مترجمان قرآن، افزوده‌های تفسیری شش مترجم منتخب، یعنی الهی قمشه‌ای، خرمشاهی، صفاززاده، فولادوند، مکارم و مشکینی را در این مقاله تحلیل و بررسی نمودیم. از مترجمان مذکور بیشترین افزوده را افراد مشکینی و بعد از ایشان الهی قمشه‌ای و کمترین افزوده را افراد خرمشاهی و فولادوند به کار برده‌اند.

2- افزوده‌های بکار رفته از سوی مترجمان غالباً در داخل پرانتز با کادر قرار گرفته‌اند.

در این میان خانم صفاززاده برخی از افزوده‌ها را درون متنی به کار برده که این موضوع گاهی باعث فهم بیشتر مخاطب از قرآن شده است و گاهی نیز برای محققان دشواری‌هایی به دلیل خلط آن با ترجمه متن قرآن برای بررسی افزوده‌ها به وجود آورده است.

3- مترجمان توانسته‌اند حتی الامکان افزوده‌های مناسبی را با توجه به آراء مفسران به کار بردند. این میان مترجمان آقای مشکینی با اینکه بیشترین افزوده را به کار برده توانسته است. از جهت صحت افزوده‌ها، با توجه به آقال مفسران بیشترین افزوده‌ها را به کار برده قابل ذکر است آقای مکارم که یکی از مفسران قرآن است، افزوده ایشان با توجه به تفسیر خود و تفسیر دیگر بررسی شد که در بیشتر مواقع توانسته است افزوده‌های درستی را به کار برده. اما خانم صفاززاده که افزوده زیادی را نیز به کار برده است، از میان مترجمان مذکور با توجه به آراء مفسران در قسمت تحلیل و بررسی نقد بیشتری بر ایشان وارد شده است.
کتابنامه
قرآن کریم

اندیسی، ابو حیان محمد بن يوسف. 1430ق. ترجمه قرآن، جای سوم، قم؛ انتشارات قاضیزاده. 

الهی قلمشاعی، مهدی. 1380ق. ترجمه قرآن، جای سوم، قم؛ انتشارات فاطمه‌الزهراء. 

اویسی، محمود. 1415ق. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، جای اول، بیروت؛ دار الکتب العلمی. 

بیرانی، سید هاشم. 1416ق. البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق قسم الدراسات الإسلامیة موسسه البعثة، جای اول، تهران: نیای بیکت. 

تعلیمی، مشهوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم. 1422ق. تفسیر القرآن جهانی، جای اول، بیروت؛ دار ادبیات العربی. 

تقویی، نریسی. 1398ق. روان جاوید، جای سوم، تهران: انتشارات برهان. 

حاکم حسینی، 1402ق. شواهد التنزیل، بیجا: مؤسسه جهانی و نشر حر عاملی، محمد بن حسن. 1409ق. وسائل الشیعه، قم؛ مؤسسه آل البيت. 

حسینی، سید محمد حسین. 1406ق. انوار درخصان، جای اول، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران: نیای بیکت. 

خرمشاهی، بهاء الدین. 1373ق. ترجمه قرآن، بیجا: انتشارات نیلیف. 

راوی، اصفهانی، حسین بن محمد. 1401ق. المفردات فی غرب القرآن، جای اول، بیروت. 

دارالعلم - الدار الشامیة. 

زمخشیری، محمود. 1400ق. الحکایت فی غوانی التنزیل، جای سوم، بیروت؛ دار الکتاب العربی. 

سیروانی، نجفی، محمد بن حبیب الله. 1406ق. تفسیر القرآن المجید، جای اول، بیروت: 

دار الکتاب العربی. 

شوکانی، محمد بن علی. 1414ق. فتح القدر، جای اول، دمشق: دار ابن کتبیر. 

سفیرزاده، طاهره. 1380ق. ترجمه قرآن، جای دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی جهان رابینه کولر. 

طباطبایی، سید محمد حسین. 1417ق. العیان فی تفسیر القرآن، جای بنجم، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین جهانی علمیه قم. 

طبری، فضل بن حسن. 1372ق. مجمع البحرين فی تفسیر القرآن، جای سوم، تهران: انتشارات ناصر خردو. 

طریقی، فخر الادین. 1375ق. مجمع البحرين، جای سوم، تهران: کتابفروشی مرکزی.